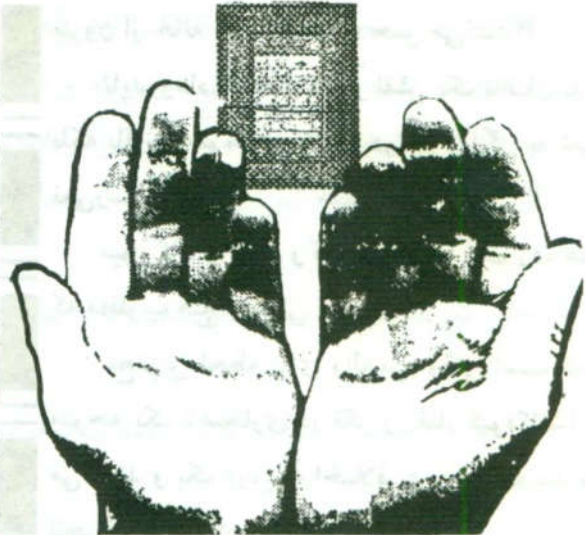


مکاتب تربیتی و هدایت‌ها

جوانان، قرآن بخوانید

امام صادق علیه السلام فرمودند: هرکسی در جوانی قرآن بخواند و مؤمن هم باشد، قرآن با گوشت و خونس می‌آمیزد و خداوند او را با فرشتگانی که نمایندگان خداوند هستند و نویسندگان بزرگوار هم‌دم می‌سازد، قرآن برای او مانع از آتش دوزخ است، قرآن در حق قاری خود دعا می‌کند و می‌گوید: «خدایا، هرکسی به پاداش کار خود



رسید، بجز قاری من. پس خداوند، بزرگ‌ترین و گرامی‌ترین بخشش‌های خود را نصیب او بگردان.» خداوند نیز به آن جوان دو جامه (لباس) از جامه‌های بهشتی می‌پوشاند و تاج افتخار بر سر او می‌گذارد. آنگاه به قرآن خطاب می‌شود: «آیا تو را دربارهٔ این جوان خشنود کردیم؟» قرآن در پاسخ می‌گوید: «پروردگارا، بیش از این در بارهٔ او آرزو داشتم.» پس امان‌نامه‌ای به دست راستش و فرمان جاوید ماندن در بهشت را به دست چپ او می‌دهند و وارد بهشت می‌گردد. سپس به او می‌گویند: «قرآن بخوان و یک درجه بالا رو.» سپس به قرآن خطاب می‌شود: «آیا آنچه آرزو داشتی دربارهٔ قاریت انجام دادیم و آیا تو را در مورد او خشنود ساختیم؟» قرآن می‌گوید: «آری، پروردگارا.» آنگاه حضرت فرمودند: «هرکس قرآن را با این‌که بر او سخت است، به ذهن خود بسپارد، خداوند دو مرتبهٔ این پاداش را به او کرامت می‌فرماید.»

به نقل از: ماهنامهٔ کوثر، ش. چهاردهم، (سال دوم، اردیبهشت ۱۳۷۷)، با تصرف

نکات تربیتی، روانی

● از شیخ ابوسعید ابوالخیر آمده است که شیخ را گفتند: فلان کس بر روی آب می‌رود! گفت: «سهل است، وزغی و صعوه‌ای^(۱) نیز بر روی آب می‌رود. گفتند که فلان کس در هوا می‌پرد! گفت: «زغنی^(۲) و مگسی در هوا بپرد.» گفتند: فلان کس در یک لحظه، از شهری به شهری می‌رود. شیخ گفت: «شیطان نیز در یک نفس، از شرق به غرب می‌رود. این چنین چیزها را بس قیمتی نیست. مرد آن بود که میان خلق بنشیند و برخیزد و بخسبد و با خلق دادوستد کند و با خلق

درآمیزد و یک لحظه از خدای غافل نباشد.»

- خداوند چهار چیز را در چهار چیز قرار داده است: برکت علم را در احترام به استاد، بقای ایمان را در تعظیم خدا، لذت زندگی را در نیکی به پدر و مادر، آزادی از جهنم را در آزار نکردن مردم.
- ۱- صعوه = گنجشک ۲- زغن = پرنده‌ای کوچک‌تر از کلاغ

به نقل از: صد ماجرا



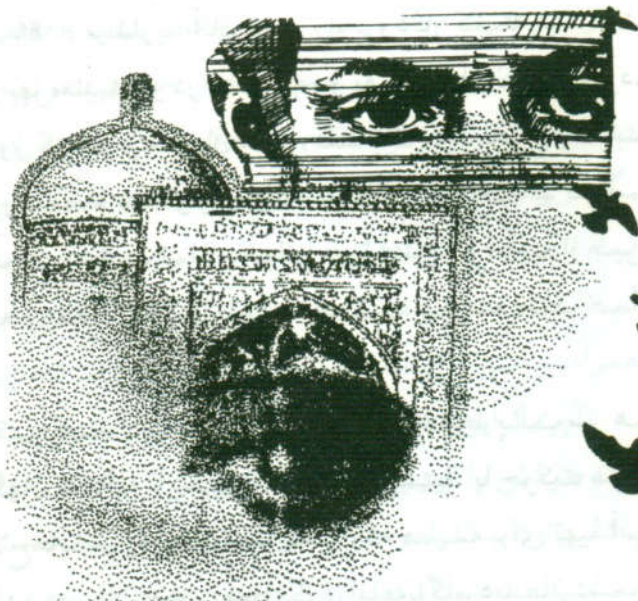
شیوهٔ جولن مردلن

- بزرگمهر حکیم می‌گوید: مردم سه گروه‌اند: گروهی گویند و کنند، گروهی گویند و نکنند، گروه سوم از همه بهترند که لب بسته‌اند و بازو گشاده‌اند. کار کردن و دم نزدن شیوهٔ جوان‌مردان است.

به نقل از: ماهنامهٔ نگاه، ش. ۹۹ (سال ششم، مهر ۷۶)

پادشاه لیثار

پس از زیارت حرم کریمهٔ اهل بیت، حضرت معصومه علیها السلام، در حال خروج از حرم بودم که یکی از دوستان را در حالی که چهره‌ای غمگین داشت، ملاقات کردم و پس از احوال‌پرسی، علت ناراحتی‌اش را جویا شدم. گفت: «به دلیل احتیاج شدید، به فاطمه معصومه علیها السلام متوسل شدم تا مشکلاتم را برطرف نماید.» چون وضعیت را چنین دیدم، مبلغی پول که در ایام تبلیغ به من داده بودند و همراهم



بود، به وی دادم و خداحافظی کردم. سپس به منزل پیر عرفان، اسوهٔ تقوا و فضیلت، مرحوم حضرت آیه‌الله بهاءالدینی رحمته الله، به منظور عرض ادب و سلام عزیمت کردم. پس از اجازه و کسب فیض از محضر استاد، اجازهٔ مرخصی خواستم. آقا فرمودند: «صبر کن.» از جا برخاستند و به اتاق دیگری رفتند و چند لحظه بعد، مبلغی پول به بنده دادند و فرمودند: «کار امروز شما، کار بسیار پسندیده‌ای بود.» از ایشان تشکر و خداحافظی نمودم. وقتی به منزل رسیدم و پول‌ها را شمردم، دیدم به همان مقدار پولی است که به آن فرد در حرم داده بودم. این در حالی بود که هیچ‌کس از این ماجرا خبر نداشت.

به نقل از: سید حسن شفیعی، آیت بصیرت، با تصرف